

روایات زیارت امام حسین علیه السلام با پای پیاده؛ گونه شناسی و دلالت سنجی

پدیدآورنده (ها) : زعفرانی، هانی

علوم قرآن و حدیث :: نشریه دانش ها و آموزه های قرآن و حدیث :: تابستان ۱۴۰۰ - شماره ۱۳

صفحات : از ۱۵ تا ۳۵

آدرس ثابت : https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1868211



عناوین مشابه

- فضیلت زیارت امام رضا علیه السلام با پای پیاده از زاویۀ ادلۀ خاص روایی
- گونه شناسی روایات امام حسن مجتبی علیه السلام در تفسیر قرآن کریم
- گونه شناسی روایات تفسیری امام صادق علیه السلام
- زیارت امام حسین (علیه السلام) در روایات
- زیارت امام حسین علیه السلام و پیاده روی اربعین
- ویژگیهای امام حسین علیه السلام در زیارت اربعین
- بررسی و واکاوی اولین زیارت مطلقه امام حسین علیه السلام
- گونه شناسی روایات تفسیری در فضیلت امام حسین (ع)
- آسیب شناسی دین و دین داری از منظر امام حسین (علیه السلام)
- پژوهشی درباره ارزش زیارت امام حسین علیه السلام

مقالهٔ سفید

روایات زیارت امام حسین(ع) با پای پیاده؛ گونه‌شناسی و دلالت‌سنجی

هانی زعفرانی[1]

چکیده

موضوع زیارت مرقد امام حسین(ع) با پای پیاده، یکی از موضوعات پژوهشی اولویت‌دار در حوزه زیارت است؛ زیرا از طرفی، این شکل خاص زیارت در میان مسلمانان، علاقه‌مندان بسیار زیادی دارد و از طرفی، کشف استنادات روایی این شیوه زیارتی و شرایط آن، تحقیق و پژوهش بیشتری را می‌طلبد. در این راستا، مقاله پیش رو پس از جمع‌آوری روایات این باب بر مبنای کلیدواژه‌هایی همچون «خُطْوَة»، «مَاشِياً» و «مِنَ الْفُرَات»، آنها را در قالب سه گونه روایی ارائه داده است. این نگاشته به‌فراخور گنجایش خود، ضمن گونه‌شناسی روایات، به دلالت‌سنجی روایات و بیان تفاوت‌های موجود در آنها از حیث محدوده پیاده‌روی و جمع دلالی، پرداخته است. بررسی احتمال طریقیت داشتن پیاده‌روی نیز در دستور کار این مقاله قرار داشته است. در پایان، دلالت روایات بر فضیلت زیارت امام حسین(ع) با پای پیاده در تمام طول سفر، مورد قبول نگارنده واقع شده است.

کلیدواژه

پیاده‌روی زیارتی، اربعین، خُطْوَة، مِنَ الْفُرَات، معارف حدیث

مقدمه

پدیده زیارت مرقد اباعبدالله الحسین(ع) با پای پیاده، سابقه‌ای طولانی دارد. از گذشته‌های دور، دوستداران اهل‌بیت(ع) و عالمان تشیع، به‌منظور زیارت حرم امام حسین(ع) با پای پیاده به کربلا مشرف می‌شدند. با وجود سختی‌ها و مشکلاتِ این شکل خاص زیارت، روزبه‌روز بر تعداد علاقه‌مندان آن افزوده شد؛ تا جایی که امروزه، راهپیمایی زیارت امام حسین(ع) در ایام اربعین، به حماسه‌ای

---

۱. دانش‌پژوه سطح ۳ مرکز تخصصی حدیث حوزه علمیه قم. (hanizafarani۹۳@Gmail.com)

جهانی مبدل گشته است. هرچند، حضور میلیونی مسلمانان در این مسیر پیاده‌روی، نشان‌دهنده دلباختگی آنان نسبت به اباعبدالله الحسین علیه‌السلام است، اما این موضوع به هیچ وجه، جامعه مسلمان را از بررسی‌های روایی برای یافتن مستندات فضیلت پیاده‌روی به‌سوی کربلا، بی‌نیاز نمی‌سازد. ازاین‌رو، پژوهشگران حوزه زیارت به ویژه در سال‌های اخیر، سعی در استخراج روایات این موضوع و تبیین آن نموده‌اند که در نتیجه این تلاش‌ها، مقالات و کتب متنوعی به رشته تحریر درآمده است. این نگاشته‌ها با توجه به شیوه استدلال و نوع نگاه به سه دسته قابل تقسیم هستند:

۱. برخی از پژوهشگران برای اثبات فضیلت زیارت با پای پیاده به عموماتی همچون «اَفضَلُ الاَعمالِ اَحمَزُها»[۲] و «ما عُبد الله بشیء اَشَدَّ من المَشی و لا اَفضَل»[۳] تمسک جسته‌اند. همچنین با تشخیص زیارت با پای پیاده، به‌عنوان مصداقی از عناوین «تعظیم شعائر»، «تواضع» و ... جنبه‌های دیگری از فضیلت این عمل را نیز مورد بررسی قرار داده‌اند. مقاله «حکم فقهی پیاده‌روی برای زیارت قبور اولیای الهی و اماکن مقدس»[٤] نمونه‌ای از این مقالات است.
۲. گروهی دیگر از پژوهشگران، پژوهش خود را بر ادله خاص روایی متمرکز کرده‌اند. آنها روایاتی که به‌صورت ویژه به فضیلت زیارت با پای پیاده پرداخته را جمع‌آوری و از آن به‌عنوان دلیل یا مؤید فضیلت زیارت با پای پیاده استفاده کرده‌اند. در این نگاشته‌ها، روایات فضیلت زیارت حج، مرقد امام حسین علیه‌السلام و مرقد امام علی علیه‌السلام با پای پیاده، بیشتر به چشم می‌خورد. مقالاتی همچون «فضیلت پیاده‌روی برای زیارت معصومان»[٥] و «اندر ره عشق»[٦] و کتبی همانند پیاده تا کربلا[۷] و پیاده تا عرش[۸] از این نگاشته‌هاست.
۳. برخی از پژوهشگران نیز از هر دوی این استدلال‌ها برای اثبات فضیلت زیارت با پای پیاده، بهره برده‌اند. مقالات «فقه پیاده‌روی»[۹] و «آیا پیاده‌روی برای زیارت امام حسین علیه‌السلام مستند دینی دارد؟»[۱۰] در این دسته قرار می‌گیرند.

---

۲. برترین اعمال، سخت‌ترین آنهاست. (بحارالأنوار، ج٦٧، ص١٩١)
۳. خداوند با چیزی سخت‌تر و برتر از پیاده‌روی عبادت نشده است. (تهذیب الاحکام، ج٥، ص١١)
٤. نوشته مهدی درگاهی.
٥. نوشته سید عادل علوی.
٦. نوشته مهدی نیلی پور.
۷. نوشته رحمت پوریزدی.
۸. نوشته مجید دانیالی.
۹. نوشته حبیب الله عبدالواحد الساعدی.
۱۰. سایت کتابخانه مدرسه فقاهت.

این پیشینه پژوهشی با تأکید بر فضیلت زیارت امام حسین﷣ با پای پیاده، مورد بررسی قرار گرفت. درنهایت، مشخص شد که در نگاشته‌های گذشته، روایات فضیلت زیارت امام حسین﷣ با پای پیاده به‌صورت کامل جمع‌آوری نشده و تفاوت محتوایی این روایات از حیث محدوده مکانی فضیلت زیارت با پای پیاده، به‌طور جدی مورد توجه قرار نگرفته است. ازاین‌رو، موضوع فضیلت زیارت امام حسین﷣ با پای پیاده به‌منظور جمع‌آوری کامل روایات آن و جمع‌بندی محتوایی روایات و تعیین محدوده مکانی فضیلت پیاده‌روی، نیازمند تحقیق و پژوهشی دگرباره است که در این مقاله به بررسی آن خواهیم پرداخت.

در مسیر پژوهشِ این موضوع، ابتدا کلیدواژه‌های مرتبط با موضوع، شناسایی و روایات مربوطه جمع‌آوری شد. سپس با تأمل در مجموعه این روایات به‌عنوان یک بسته کامل، دسته‌بندی خاصی ازاین‌روایات کشف و تنظیم گردید. ملاک نگارنده در این نوع از دسته‌بندی، میزان عمومیت روایات از حیث محدوده مکانی فضیلت پیاده‌روی است. برخی از روایات، در مورد محدوده مکانی فضیلت پیاده‌روی سکوت کردند؛ برخی فضیلت پیاده‌روی را در تمام طول مسیر سفر ثابت می‌دانند و برخی این فضیلت را تنها محدود در مکانی خاص می‌دانند. نگارنده در مقاله پیش رو، با تحلیل و بررسی دقیق الفاظ، سعی در حل این تفاوت‌ها در مفاد روایات و جمع دلالی آنها دارد.

گزارش روایات به این شیوه است که روایاتی که در راویِ متصل به معصوم و محتوا مشترک است، هرچند در متن کاملاً مشترک نباشد، در ذیل یک شماره و به نام راویِ آن نام‌گذاری شده است؛ زیرا اشتراک در راوی و محتوا، بیانگر این نکته است که این روایات، همگی نقل‌های گوناگون از یک واقعه است. از میان متن‌های گوناگون این روایات مشترک، متن مربوط به اولین منبع (معتبرترین منبع از میان منابع ذکر شده در پاورقی) انتخاب شده است. روایاتی که راوی یا سند آنها مشخص نیست، تحت عنوان «مرسل» و به نام مؤلف کتاب نام‌گذاری شده است.

اعتبارسنجی روایات مورد استفاده، نه بر پایه ارزیابی سندی (شیوه متأخرین) بلکه بر مبنای اعتبارسنجی عصر حضور و دوره محدثان اولیه سامان یافته است. ازاین‌رو، به جای تأکید و تعبد بر سند روایات، بیشتر به منبع اصلی هر روایت و اعتماد محدثان بزرگ شیعه و نیز، تأیید به‌وسیله دیگر روایات هم‌مضمون توجه و تأکید شده است. بر این اساس، پشتوانه اعتماد نگارنده به روایات این باب، نکات زیر خواهد بود:

۱- اکثر این روایات در کتب معتبری همچون کافی، تهذیب الاحکام و کامل الزیارات درج شده است. اعتماد بزرگانی همچون مرحوم کلینی، شیخ طوسی و مرحوم ابن قولویه به این روایات می‌تواند اعتماد ما را نیز افزایش دهد.

۲- درباره زیارت امام حسین‌علیه السلام با پای پیاده، ۲۳ روایت وجود دارد. روایاتی که مضامین نزدیک‌تری به یکدیگر دارد در دسته‌های جداگانه جای‌گذاری شده‌است. تعدد روایات در هر دسته، می‌تواند اطمینان ما به صدور مضامین مربوط به آن دسته را افزایش دهد.

افزون بر نکته پیش‌گفته، باید افزود: حتی بر مبنای شیوه اعتبارسنجی سندمحوری نیز، می‌توان اعتماد نسبی به شاکله این روایات به‌دست آورد؛ چه اینکه با فرض وجود ضعف در سند این روایات، عمل به مضامین آن‌ها بر اساس مفاد روایات «من بلغ» جایز است.

گونه‌های روایات

می‌توان روایات دال بر فضیلت زیارت امام حسین‌علیه السلام با پای پیاده را در سه گونه روایی، سامان کرد: گونه اول، روایاتی است که به طور مطلق پیاده‌روی به سوی مرقد اباعبدالله‌علیه السلام را مطلوب می‌شمارد و محدوده‌ای برای پیاده‌روی تعیین نمی‌کند. این گونه از روایات را «مطلق» می‌نامیم. گونه دوم روایاتی است که تصریح می‌کند پیاده‌روی به سوی مرقد امام حسین‌علیه السلام از درب منزل آغاز می‌شود. ما از این گونه با عنوان روایات «مقید به: مِنْ أَهْلِهِ/ مِنْ مَنْزِلِهِ» یاد می‌کنیم؛ و گونه سوم روایاتی است که دستور می‌دهد زائران از شط فرات به سوی مرقد امام حسین‌علیه السلام پیاده‌روی کنند. بر این گونه نیز عنوان روایات «مقید به: مِنَ الْفُرَات» را اطلاق می‌کنیم.

گونه اول: روایات «مطلق»

این گونه از روایات با سه کلیدواژه «خُطْوَة»، «مَاشِیاً» و «مُغَبَّر» شناسایی می‌شوند و به سه دسته تقسیم می‌گردند که هرکدام از این دسته‌ها به نام کلیدواژه اصلی خود، نام‌گذاری شده است. ویژگی خاص روایات «مطلق»، نسبت به روایات «مقید به: مِنَ الْفُرَات» و «مقید به: مِنْ أَهْلِهِ/ مِنْ مَنْزِلِهِ» در این است که در روایات «مطلق»، نسبت به محدوده مکانیِ فضیلت پیاده‌روی، هیچ تصریحی وجود ندارد. به این معنا که عمل پیاده‌روی به سوی مرقد امام حسین‌علیه السلام را مطلوب می‌شمرد و تعیین نمی‌کند که این پیاده‌روی، باید از چه نقطه‌ای آغاز شود.

دسته اول روایات مطلق: روایات «خُطْوَة»

این دسته از روایات «مطلق»، با کلیدواژه «خُطْوَة» (گام) و «خَطَا» (گام برداشت) شناسایی می‌شوند. هرچند کلیدواژه «خُطْوَة» در بیشتر روایات فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام با پای پیاده به‌کار رفته است؛ اما در این دسته، ما فقط با همین کلیدواژه مواجه هستیم و تنها دستاویز ما برای رسیدن به فضیلت پیاده‌روی، همین کلیدواژه است؛ در حالی که در دسته‌های دیگر، علاوه‌بر این کلیدواژه، کلیدواژه‌های دیگری نیز خودنمایی می‌کند. با این ملاک، روایات «خُطْوَة» شامل هفت روایت می‌شود که عبارت‌اند از:

۱- روایت قُدامَة بن مالک از امام صادق علیه السلام: «مَنْ أَرَادَ زِيارَةَ قَبْرِ الْحُسَينِ علیه السلام لَا أَشَراً وَ لَا بَطَراً وَ لَا رِياءً وَ لَا سُمْعَةً مُحِّصَتْ ذُنُوبُهُ كَمَا يمَحَّصُ الثَّوْبُ فِي الْمَاءِ فَلَا يبْقَى عَلَيهِ دَنَسٌ وَ يكْتُبُ اللهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَجَّةً وَ كُلِّ مَا رَفَعَ قَدَمَهُ عُمْرَةً.»[11]

۲- روایت اَبَان بن تَغلِب از امام صادق علیه السلام: «...مَنْ زَارَ الْحُسَينَ علیه السلام كَتَبَ اللهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةً وَ مَحَا عَنْهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ سَيئَةً وَ غَفَرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ...»[12]

۳- روایت مرسل علامه حلی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که خطاب به حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند: «...إِنَّ مَنْ زَارَ وَلَدَكَ الْحُسَينَ علیه السلام كُتِبَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ مِائَةُ حَسَنَةٍ وَ رُفِعَ عَنْهُ مِائَةُ سَيئَةٍ...»[13]

٤- روایت مرسل اِبن اَبی جُمهُور از امام صادق علیه السلام: «مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَينِ علیه السلام كَتَبَ اللهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حِجَّةً وَ عُمْرَةً وَ كَتَبَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةً وَ مَحَا عَنْهُ بِهَا سَيئَةً وَ رَفَعَ لَهُ بِهَا دَرَجَةً.»[14]

---

۱۱. هرکس قصد زیارت حسین علیه السلام را داشته باشد، نه از روی سرمستی و نه از روی خودنمایی، گناهانش پاک می‌شود، همان‌طور که لباس در آب پاک می‌گردد؛ درنتیجه هیچ آلودگی بر او باقی نمی‌ماند و خداوند برای او به ازای هر گام، ثواب یک حج و به ازای هر قدم که از زمین بلند می‌کند، ثواب یک عمره می‌نویسد. (تهذیب الاحکام، ج۶، ص۴۴؛ کامل الزیارات، ص۱۴۴؛ کتاب المزار (مفید)، ص۳۶؛ المزار الکبیر، ص۳۴۴؛ جامع الاخبار، ج۱، ص۲۳؛ عوالی اللئالی، ج۱، ص۳۰۴)

۱۲. ...هرکس حسین علیه السلام را زیارت کند، خداوند برای او به ازای هر گام، یک عمل نیک ثبت می‌کند و یک عمل ناپسند را محو می‌گرداند و گناهان گذشته و آینده‌اش را می‌آمرزد... (کامل الزیارت، ص۳۳۱)

۱۳. ...همانا هرکس پسرت حسین علیه السلام را زیارت کند، به ازای هر گام، صد عمل نیک برایش نوشته می‌شود و صد عمل ناپسند از نامه اعمالش پاک می‌گردد... (نهج الحق و کشف الصدق، ج۱، ص۴۳۲؛ عوالی اللئالی، ج۱، ص۱۹۹)

١٤. هرکس قبر حسین علیه السلام را از زیارت کند، خداوند به ازای هر گام، ثواب یک حج و یک عمره برایش می‌نویسد، یک عمل نیک در نامه اعمالش ثبت می‌کند و یک عمل ناپسند را محو می‌گرداند و مقامات معنوی او را یک درجه افزایش می‌دهد. (عوالی اللئالی، ج۴، ص۸۲)

۵- روایت حَرث [حَارِث] بن مُغِیرَة از امام صادقعليه‌السلام: «...إِنَّ لله مَلَائِكَةً مُوَكَّلِينَ بِقَبْرِ الْحُسَيْنِعليه‌السلام فَإِذَا هَمَّ بِزِيارَتِهِ الرَّجُلُ أَعْطَاهُمُ اللهُ ذُنُوبَهُ فَإِذَا خَطا مَحَوْهَا ثُمَّ إِذَا خَطا ضَاعَفُوا لَهُ حَسَنَاتِهِ فَمَا تَزَالُ حَسَنَاتُهُ تَضَاعَفُ حَتَّى تُوجِبَ لَهُ الْجَنَّةَ ثُمَّ اكْتَنَفُوهُ وَ قَدَّسُوهُ وَ ينَادُونَ مَلَائِكَةَ السَّمَاءِ أَنْ قَدِّسُوا زُوَّارَ [حَبيبِ] اللهِ فَإِذَا اغْتَسَلُوا نَادَاهُمْ مُحَمَّدٌصلی‌الله‌علیه‌وآله يا وَفْدَ اللهِ أَبْشِرُوا بِمُرَافَقَتِى فِى الْجَنَّةِ...»[١٥]

٦- روایت سَدیر صَیرَفی از امام صادقعليه‌السلام: «كُنَّا عِنْدَ أَبِى جَعْفَرٍعليه‌السلام فَذَكَرَ فَتًى قَبْرَ الْحُسَينِعليه‌السلام فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍعليه‌السلام مَا أَتَاهُ عَبْدٌ فَخَطا خُطْوَةً إِلَّا كَتَبَ اللهُ لَهُ حَسَنَةً وَ حَطَّ عَنْهُ سَيئَةً.»[١٦]

٧- روایت عَبدُالله بن مُسکَان از امام صادقعليه‌السلام: «مَنْ زَارَ الْحُسَينَعليه‌السلام مِنْ شِيعَتِنَا لَمْ يرْجِعْ حَتَّى يغْفَرَ لَهُ كُلُّ ذَنْبٍ وَ يكْتَبَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ خَطاهَا وَ كُلِّ يدٍ رَفَعَتْهَا دَابَّتُهُ أَلْفُ حَسَنَةٍ وَ مُحِى عَنْهُ أَلْفُ سَيئَةٍ وَ تُرْفَعُ لَهُ أَلْفُ دَرَجَةٍ.»[١٧]

این روایات برای کسی که به زیارت امام حسینعليه‌السلام می‌رود، به‌ازای هر گام ثوابی را در نظر گرفته است. ظهور اولیه این روایات، ثواب‌های یاد شده را مشخصاً برای کسی که پیاده به زیارت امام حسینعليه‌السلام بیاید ثابت می‌داند. از طرفی، با توجه به عام و مطلق بودن این روایات که خود را در عباراتی همچون «بِکُلِّ خُطوَة» نشان می‌دهد، می‌توان ظهور اولیه آنها را در تمام طول مسیر، ثابت دانست؛ زیرا از حیث مکان، هیچ محدوده‌ای برای ثواب گام‌ها، بیان نمی‌کند.

---

١۵. ...همانا خداوند بر سر مزار امام حسینعليه‌السلام، فرشتگانی دارد که مأموریتی دارند. پس هنگامی که فرد، تصمیم به زیارت او می‌گیرد، خداوند گناهانش را به آن فرشتگان می‌دهد، سپس همین که به سوی مزار امام حسینعليه‌السلام گام برداشت، گام‌به‌گام حسناتش را اضافه می‌کنند، پس مدام به حسناتش اضافه می‌شود تا اینکه بهشت بر او واجب می‌گردد. سپس فرشتگان، او را در بر می‌گیرند و تقدیس می‌کنند و ندا سرمی‌دهند: ای فرشتگان آسمان! زوار حبیبِ حبیب خدا را تقدیس کنید. سپس هنگامی که غسل کنند، حضرت محمدصلی‌الله‌علیه‌وآله به آنها ندا می‌دهد: «ای مسافران خدا! شمارا بشارت باد به همراهی من در بهشت... (کامل الزیارات، ص١٣٢ و ١۵٢؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص٩١؛ المزار الکبیر، ص٣٢٩؛ جامع الاخبار، ج١، ص٢۶)

١٦. نزد امام باقرعليه‌السلام بودیم که جوانی از مزار امام حسینعليه‌السلام یاد کرد. پس امام باقرعليه‌السلام فرمودند: هیچ بنده‌ای به سوی او نمی‌رود و گامی برنمی‌دارد مگر اینکه خداوند برایش عمل نیکی را ثبت و عمل ناپسندی را محو می‌کند. (کامل الزیارات، ص١٣٤)

١٧. هرکس از میان شیعیان ما امام حسینعليه‌السلام را زیارت کند، از این سفر باز نمی‌گردد تا اینکه تمام گناهانش آمرزیده شود و برای او به ازای هر قدمی که برمی‌دارد و هر دستی که چهارپایش از زمین بلند می‌کند، هزار عمل نیک، ثبت می‌شود و هزار عمل ناپسند، محو می‌گردد و هزار درجه به مقامات معنویش افزوده می‌گردد. (کامل الزیارات، ص١٣۴)

در مورد روایت حَرث بن مُغیره، قرائنی وجود دارد که می‌تواند این ظهور را تقویت کند. در این روایت، عبارت «فَإِذَا خَطا مَحَوهَا» با حرف فاء بر عبارت «فَإِذَا هَمَّ بِزِيارَتِهِ» عطف شده است. این نکته به این معناست که زائر، بلافاصله پس از اینکه تصمیم به زیارت می‌گیرد، اولین قدم را برمی‌دارد. نکته دیگر اینکه در ادامه، عمل غسل، پس از پیاده‌روی زائر وارد شده است. از طرفی، طبق روایات «مقید به: مِنَ الْفُرَات» که در ادامه خواهد آمد، زائر زمانی غسل می‌کند که به رود فرات رسیده است؛ پس انتهای مسیر پیاده‌روی رود فرات است. درنتیجه طبق روایت حَرث، زائر حدفاصل بین زمانی که تصمیم به زیارت می‌گیرد و زمانی که به رود فرات می‌رسد را پیاده‌روی می‌کند.

از میان روایات این دسته، روایت عَبدُالله بن مُسکَان نیز نیازمند توضیح است. در این روایت در عبارت «له بِكُلِّ خُطْوَةٍ خَطاهَا وَ كُلِّ يدٍ رَفَعَتْهَا دَابَّتُهُ»، علاوه‌بر گام‌های زائر، در مورد گام‌های چهارپای او نیز سخن به میان آمده است. ممکن است این احتمال به ذهن برسد که این روایت با بیان ثوابی یکسان برای زیارت پیاده و سواره، دلالت دارد بر اینکه زیارت پیاده برتر از زیارت سواره نیست. در پاسخ به این احتمال باید گفت که نبود برتری میان دو عمل از یک جهت، مانع از برتری یکی بر دیگری از جهات دیگر نمی‌شود. به عبارت دیگر، این روایت در مقام مقایسه بین این دو شیوه زیارت نیست؛ ازاین‌رو، نپرداختن به تفاوت‌های میان آن‌ها، به این معنی نیست که هیچ تفاوتی میان آن‌ها وجود ندارد.

بررسی شمولیت واژه «خُطوَة» بر گام‌های انسان و چهارپا

ممکن است این سوال مطرح شود که آیا منظور از «خُطوَة» (گام)، صرفاً گام‌های انسان است یا گام‌های چهارپا را نیز شامل می‌شود؟ با بررسی کاربست این واژه در احادیث، به این نتیجه می‌رسیم که این واژه، فقط برای گام‌های انسان استعمال نمی‌شود. بلکه اگر شخصی با چهارپا، مسیری را طی کند نیز کلمه «خُطْوَة» برای گام‌های آن چهارپا به‌کار برده می‌شود.

به‌عنوان نمونه در روایتی از هَارُون بن مُوسَی در مورد مرکب امام رضاؑ این عبارت آمده است: «فَمَرَّ الْفَرَسُ يتَخَطَّى»؛[18] یا در نقل ابن مشهدی از روایت ابن ثُوَیر در ارتباط با ثواب زیارت امام حسینؑ آمده است: «...وَ إِنْ كَانَ رَاكِباً كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَة حَسَنَةً...»؛[19] همچنین ابی‌بصیر از امام صادقؑ نقل می‌کند: «إِنَّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ حِينَ يخْرُجُ مِنْ بَيتِهِ حَاجّاً لَا يخْطُو خُطْوَة وَ لَا تَخْطُو

۱۸. پس اسب حرکت کرد در حالی که گام برمی‌داشت. (مناقب آل ابی‌طالبؑ، ج۴، ص۳۳۴)

۱۹. ...و اگر سواره باشد، خداوند برای او به ازای هر گام، یک عمل نیک ثبت می‌کند... (المزار الکبیر، ص۳۴۰)

بِهِ رَاحِلَتُهُ إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا حَسَنَةً وَ...».[20] در تمام این موارد، ریشه‌ی «خطو» برای گام‌های چهارپا استعمال شده است. بنابراین می‌توان گفت معنای کلیدواژه «خُطْوَة»، اعم از گام‌های انسان و چهارپاست و تنها با این کلیدواژه نمی‌توان چنین روایاتی را حمل بر پیاده‌روی کرد. با این وجود، قرائنی وجود دارد که مراد از کلیدواژه «خُطوَة» در این روایات، منحصر به گام‌های انسان است. این قرائن بدین شرح است:

۱- جمله «يكْتُبُ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَة حَجَّةً وَ كُلِّ مَا رَفَعَ قَدَمَهُ عُمْرَةً» در روایت قُدَامَة، دارای دو فقره است. در فقره اول برای گذاشتن هر گام، ثواب یک حج و در فقره دوم برای برداشتن آن، ثواب یک عمره لحاظ شده است. فقره دوم این عبارت بی تردید، مربوط به قدم‌های شخص زائر است؛ زیرا ضمیر در کلمه «قَدَمَهُ» به شخص زائر برمی‌گردد و ثواب عمره، مربوط به برداشتن گام توسط خود زائر است، نه چهارپای او. از طرفی، با توجه به ارتباط معنایی تنگاتنگ میان این دو فقره، بدون شک گذاشتن و برداشتن گام، مربوط به یک مصداق است. بنابراین در فقره اول نیز منظور از گذاشتن گام، گام‌های زائر است. درنتیجه، معنای کلمه «خُطْوَة» در فقره اول منحصراً به‌معنای قدم‌های زائر خواهد بود.

۲- کلیدواژه «خُطوَة» در برخی از روایات با فعل «خَطَا» همراه شده است. فعلی که فاعلش، تنها زائر است و نه مرکب او. درنتیجه، عمل گام برداشتن را فقط به شخص زائر نسبت می‌دهد.

۳- در دسته روایات «ماشیاً»، که در ادامه خواهد آمد، وجود کلیدواژه «مَاشِياً» در کنار کلیدواژه «خُطوَة»، معنای آن را برای گام‌های انسان، منحصر می‌سازد.

٤- در روایات «مقید به: مِنَ الْفُرَات»، که در ادامه خواهد آمد، در کنار کلیدواژه «خُطوَة» از پابرهنه بودن و قدم‌های کوتاه، سخن به میان آورده است. با توجه به این مضامین، معنای «خُطوَة» در گام‌های انسان، انحصار دارد.

۵- از میان ۱۲ روایتی که کلیدواژه «خُطوَة» در آن‌ها به‌کار رفته است، ۷ روایت با قرائنی همراه است که کلیدواژه خطوه را به گام‌های انسان تفسیر می‌کند. همچنین در برخی از روایات این باب که هم‌مضمون با روایات «خُطوَة» است، به‌وسیله کلیدواژه «قَدَم» و ... سخن از گام‌های انسان مطرح شده است. آن ۷ روایت به همراه این روایات «قَدَم»، به‌عنوان قرینه منفصله، معنای کلیدواژه «خُطوَة» در سایر روایات را روشن می‌سازد.

۲۰. همانا بندهٔ مؤمن، هنگامی که به‌منظور حج از خانه‌اش خارج می‌شود، قدمی برنمی‌دارد و چهارپایش او را قدمی پیش نمی‌برد، مگر اینکه خداوند برای او به ازای آن قدم، یک عمل نیک ثبت می‌کند... (البرهان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص۴۴۰)

دسته دوم روایات مطلق: روایات «مَاشِیاً»

این دسته از روایات «مطلق»، با کلیدواژه «مَاشِیاً» (پیاده) از دسته‌های دیگر تمییز داده می‌شود. محور استدلال در این روایات، کلیدواژه «مَاشِیاً» است و کلیدواژه‌های دیگر نقش محوری ندارند. با اینکه کلیدواژه «مَاشِیاً» در برخی از روایات «مقید به: مِنْ أَهْلِهِ/ مِنْ مَنْزِلِهِ» نیز وجود دارد، اما محوری نبودن این کلیدواژه در آن روایات، باعث می‌شود که آن‌ها را در دسته روایات «مَاشِیاً» جای ندهیم. این دسته، شامل دو روایت است:

۱- روایت عَلِی بنِ میمُون صَائِغ از امام صادق علیه‌السلام: «یا عَلِی زُرِ الْحُسَینَ وَ لَا تَدَعْهُ قَالَ قُلْتُ مَا لِمَنْ أَتَاهُ مِنَ الثَّوَابِ قَال مَنْ أَتَاهُ مَاشِیاً کَتَبَ اللهُ لَهُ بِکُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةً وَ مَحَی عَنْهُ سَیئَةً وَ رَفَعَ لَهُ دَرَجَةً...»[۲۱]

۲- روایت اَبِی سَعِید قَاضِی از امام صادق علیه‌السلام: «دَخَلْتُ عَلَی أَبِی عَبْدِ اللهِ علیه‌السلام فِی غُرَیفَةٍ لَهُ وَ عِنْدَهُ مُرَازِمٌ فَسَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ علیه‌السلام یقُولُ مَنْ أَتَی قَبْرَ الْحُسَینِ علیه‌السلام مَاشِیاً کَتَبَ اللهُ لَهُ بِکُلِّ خُطْوَةٍ وَ بِکُلِّ قَدَمٍ یرْفَعُهَا وَ یضَعُهَا عِتْقَ رَقَبَةٍ مِنْ وُلْدِ إِسْمَاعِیلَ وَ مَنْ أَتَاهُ بِسَفِینَةٍ فَکَفَتْ بِهِمْ سَفِینَتُهُمْ نَادَی مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ طِبْتُمْ وَ طَابَتْ لَکُمُ الْجَنَّةُ.»[۲۲]

در این دسته از روایات، قید «مَاشِیاً» یک قید احترازی است و به روشنی بر فضیلت زیارت امام حسین علیه‌السلام با پای پیاده دلالت می‌کند. به‌خصوص در روایت عَلِی بنِ میمُون، که راوی به طور کلی در مورد ثواب زیارت امام حسین علیه‌السلام سؤال کرده است، اما امام با قید «مَاشِیاً» پاسخش را می‌دهند.

---

۲۱. ای علی! حسین علیه‌السلام را زیارت کن و او را رها نکن! [عَلِی بنِ میمُون] گفت گفتم: برای کسی که به‌سوی او بیاید چه ثوابی است؟ حضرت فرمود: «هرکس با پای پیاده به سوی او بیاید، خداوند برای او به‌ازای هر گام، یک عمل نیک ثبت می‌کند و یک عمل ناپسند را محو می‌سازد و یک درجه به درجات معنویش می‌افزاید... (کامل الزیارات، ص۱۳۳)

۲۲. بر امام صادق علیه‌السلام در غرفه کوچکشان وارد شدم در حالی که مرازم نیز آنجا بود. پس شنیدم که ابی‌عبدالله می‌فرمودند: هرکس پیاده به مزار حسین علیه‌السلام بیاید، خداوند به ازای هر گام و هر قدمی که برمی‌دارد و می‌گذارد، ثواب آزادی برده‌ای از فرزندان اسماعیل را ثبت می‌کند و هرکس با کشتی به آنجا بیاید و کشتی، آنها را به آب افکند، منادی از آسمان ندا سرمی‌دهد: خوشا به حالتان و بهشت گوارایتان باد. (کامل الزیارات، ص۱۳۴)

لفظ عموم در عبارت «بِكُلِّ خُطوَة»، بر شمولیت این روایت بر فضیلت پیاده‌روی در تمام طول مسیر، دلالت دارد و تمام گام‌هایی که در این مسیر برداشته می‌شود، از درب منزل تا مرقد مطهر، از ثواب یاد شده برخوردار است. البته در روایت ابی‌سعید قاضی، قرینه‌ای وجود دارد که این ظهور را تقویت می‌کند. این روایت از دو فقره تشکیل شده است. فقره اول در ارتباط با سفر با پای پیاده است و فقره دوم در مورد سفر با کشتی سخن می‌گوید. فقره دوم (سفر با کشتی) صراحتاً در مورد طول مسیر سفر به کربلا صحبت می‌کند. این خود قرینه‌ای است که نشان می‌دهد فقره اول (سفر پیاده) نیز تمام طول مسیر را شامل می‌شود.

دسته سوم روایات مطلق: روایات «مُغَبَّر»

در روایات این دسته، ریشه‌های «شَعَثَ» و «غَبَرَ» هر دو به چشم می‌خورد. این دسته شامل سه روایت است:

۱- روایت عَلِی بن حَکَم از یکی از اصحاب امام صادق علیه‌السلام به نقل از آن حضرت: «إِذَا أَرَدْتَ زِيارَةَ الْحُسَينِ علیه‌السلام فَزُرْهُ وَ أَنْتَ حَزِينٌ مَكْرُوبٌ شَعِثٌ مُغْبَرٌّ جَائِعٌ عَطْشَانُ وَ سَلْهُ الْحَوَائِجَ وَ انْصَرِفْ عَنْهُ وَ لَا تَتَّخِذْهُ وَطَناً.» [۲۳]

۲- روایت کَرّام بن عَمرو از امام صادق علیه‌السلام: «إِذَا أَرَدْتَ أَنْتَ قَبْرَ الْحُسَينِ علیه‌السلام فَزُرْهُ وَ أَنْتَ كَئِيبٌ حَزِينٌ شَعِثٌ مُغْبَرٌّ فَإِنَّ الْحُسَينَ علیه‌السلام قُتِلَ وَ هُوَ كَئِيبٌ حَزِينٌ شَعِثٌ مُغْبَرٌّ جَائِعٌ عَطْشَانُ.» [۲۴]

۳- روایت مُفَضَّل بن عُمر از امام صادق علیه‌السلام: «...تَاللهِ إِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَذْهَبُ إِلَى قَبْرِ أَبِيهِ كَئِيباً حَزِيناً وَ تَأْتُونَهُ أَنْتُمْ بِالسُّفَرِ كَلَّا حَتَّى تأتونه [تَأْتُوهُ] شُعْثاً غُبراً.» [۲۵]

---

۲۳. هنگامی که تصمیم به زیارت حسین علیه‌السلام گرفتی، پس او را زیارت کن در حالی که غمگین، ناراحت، پریشان‌موی، غبارآلود، گرسنه و تشنه باشی و نیازهایت را درخواست کن و برگرد و آنجا را به‌عنوان وطن، انتخاب نکن. (کافی، ج۴، ص۵۸۷؛ تهذیب الاحکام، ج۶، ص۷۶؛ کامل الزیارات، ص۱۳۱؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص۸۸؛ المزار الکبیر، ص۳۶۹؛ کتاب المزار(مفید)، ص۶۹)

۲٤. هنگامی که آهنگ مزار حسین علیه‌السلام را کردی، پس او را زیارت کن در حالی که ناراحت، غمگین، پریشان‌موی و غبارآلود باشی که همانا حسین علیه‌السلام کشته شد در حالی که ناراحت، غمگین، پریشان‌موی، غبارآلود، گرسنه و تشنه بود. (کامل الزیارات، ص۱۳۱)

۲۵. ...به خدا قسم همانا یکی از شما که به زیارت قبر پدرش می‌رود، ناراحت و غمگین است، در حالی که شما با سفره‌ها به زیارت او (حسین علیه‌السلام) می‌آیید. هرگز این‌گونه زیارت نکنید! بلکه پریشان‌موی و غبارآلود به سویش بیایید. (کامل الزیارات، ص۱۳۰؛ المزار الکبیر، ص۳۶۹)

کلیدواژه «مُغَبَّر، غُبراً» به‌معنای غبارآلود است. غبارآلود شدن در زمان‌های قدیم، علاوه‌بر سفرهای پیاده، در سفرهای سوار بر مرکب نیز حاصل می‌شده است. مؤید این نکته، روایتی است که از امام صادق﷣ در مورد زیارت امیرالمؤمنین﷣ با پای پیاده وارد شده است. در بخشی از این روایت آمده است:

مَا یطْعِمُ اللهُ النَّارَ قَدَماً اغْبَرَّتْ فِی زِیارَةِ أَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ﷣ مَاشِیاً کَانَ أَوْ رَاکِباً.[٣٦]

بر اساس این عبارت، چه سواره و چه پیاده، در هردو صورت پای زائر می‌تواند غبارآلود شود.

کلیدواژه‌های «شَعِث»، «جَائِع» و «عَطْشَان» به ترتیب به‌معنای پریشان‌موی، گرسنه و تشنه است. پریشان‌مویی، گرسنگی و تشنگی نیز در سفرهای طولانی حاصل می‌شده است، حتی اگر آن سفر با مرکب صورت گرفته باشد؛ لذا این کلیدواژه‌ها نیز به‌طور خاص، دلالتی بر پیاده‌روی ندارد.

با توجه به مطالب پیش‌گفته، هرچند دلالت این دسته روایات بر فضیلت پیاده روی، در ابتدا قابل پذیرش نیست، چون غبارآلود شدن، پریشان‌مویی، گرسنگی و تشنگی در سفر با مرکب هم حاصل می‌شده است، ولی با تطبیق بر سفرهای امروزی، این عناوین چهارگانه، به‌خصوص عنوان «مُغَبَّر»، بیش از هر چیز در سفرهای پیاده مصداق پیدا می‌کند؛ زیرا سفر با مرکب در روزگار کنونی مرسوم نیست و از طرفی محقق شدن این عناوین در سفر با وسایل نقلیه در اکثر موارد محقق نمی‌گردد. درنتیجه روایات دسته «مُغَبَّر»، هرچند مستقیماً در رابطه با پیاده‌روی سخن نمی‌گوید؛ اما مصداق اَتَمّ آن در عصر حاضر، زیارت با پای پیاده است.

هرچند ظهور این روایات، مطلق است و هیچ قیدی نسبت به محدوده مسیر زیارت بیان نمی‌کند، اما پیاده‌روی از مسیرهایی که خیلی به حرم نزدیک است (مانند نهر علقمه)، نمی‌تواند غبارآلودگی، پریشان‌مویی، گرسنگی و تشنگی را در زائر پدید بیاورد؛ پس محدوده پیاده‌روی باید فاصله قابل اعتنایی را دربرگیرد.

---

٣٦. ...خداوند به قدمی که در راه زیارت امیر المؤمنین﷣، غبارآلود شده است، چه پیاده بوده باشد و چه سواره، طعم آتش را نمی‌چشاند... (تهذیب الاحکام، ج۶، ص۲۱)

گونه دوم: روایات «مقید به: مِنْ أهْلِهِ/ مِنْ مَنْزِلِهِ»

کلیدواژه‌های «مِنْ أَهْلِهِ» (از خانواده‌اش)، «مِنْ مَنْزِلِهِ» (از خانه‌اش) و «مِنْ بَابِ مَنْزِلِهِ» (از در خانه‌اش) وجه تمایز اصلی این روایات با روایات «مطلق» است. این گونه، دارای سه روایت است:

۱- روایت بَشِیر دَهّان از امام صادق علیه‌السلام: «إِنَّ الرَّجُلَ لَیخْرُجُ إِلَی قَبْرِ الْحُسَینِ علیه‌السلام فَلَهُ إِذَا خَرَجَ مِنْ أَهْلِهِ بِأَوَّلِ خُطْوَةٍ مَغْفِرَةُ ذُنُوبِهِ ثُمَّ لَمْ یزَلْ یقَدَّسُ بِکُلِّ خُطْوَةٍ حَتَّی یأْتِیهُ...»[۲۷]

۲- روایت حُسین بن ثُوَیر بن اَبِی فَاخته از امام صادق علیه‌السلام: «...مَنْ خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ یرِیدُ زِیارَةَ الْحُسَینِ بْنِ عَلِی بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیه‌السلام إِنْ کَانَ مَاشِیاً کَتَبَ اللهُ لَهُ بِکُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةً وَ حَطَّ بِهَا عَنْهُ سَیئَةً حَتَّی إِذَا صَارَ بَالْحَائِرِ...»[۲۸]

۳- روایت جَابِر جُعفِی از امام صادق علیه‌السلام: «...إِنَّ الرَّجُلَ مِنْکُمْ لَیأْخُذُ فِی جِهَازِهِ وَ یتَهَیأُ لِزِیارَتِهِ فَیتَبَاشَرُ بِهِ أَهْلُ السَّمَاءِ فَإِذَا خَرَجَ مِنْ بَابِ مَنْزِلِهِ رَاکِباً أَوْ مَاشِیاً وَکَّلَ اللهُ بِهِ أَرْبَعَةَ آلَافِ مَلَکٍ مِنَ الْمَلَائِکَةِ یصَلُّونَ عَلَیهِ حَتَّی یوَافِی قَبْرَ الْحُسَینِ علیه‌السلام ...»[۲۹]

در این روایات، تصریح شده است که پیاده‌روی از همان ابتدای خروج از منزل آغاز می‌شود. روایات بَشِیر دَهّان و حُسین بن ثُوَیر، فضیلت ویژه‌ای را برای پیاده‌روی بیان می‌کند اما روایت جَابِر جُعفِی، چون ثواب یکسانی را برای زیارت سواره و پیاده ذکر کرده است، نمی‌تواند فضیلت پیاده‌روی را ثابت کند؛[۳۰] بنابراین تمام صحبت ما در این دسته از روایات، مربوط به روایات بَشِیر دَهّان و حُسین بن ثُوَیر است.

۲۷. همانا شخص که به‌سوی مزار حسین علیه‌السلام می‌رود، هنگامی که از خانواده‌اش جدا می‌شود، به ازای اولین قدمی که برمی‌دارد، گناهانش آمرزیده می‌شود؛ سپس مدام به ازای هر گام تقدیس می‌شود تا اینکه به مقصد می‌رسد... . (کامل الزیارات، ص۱۳۲ و ص۱۵۲؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص۹۱؛ کتاب المزار (مفید)، ص۳۱؛ المزار الکبیر، ص۳۴۲؛ جامع الاخبار، ج۱، ص۲۵)

۲۸. ...کسی که به قصد زیارت حسین بن علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام از خانه‌اش خارج شود، اگر پیاده باشد، خداوند برای او به ازای هر گام، یک عمل نیک ثبت می‌کند و یک عمل ناپسند را محو می‌گرداند تا اینکه به حائر برسد... . (تهذیب الاحکام، ج۶، ص۴۳؛ کامل الزیارات، ص۱۳۲؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص۹۱؛ کتاب المزار (مفید)، ص۳۰؛ المزار الکبیر، ص۳۳۹؛جامع الاخبار، ج۱، ص۲۵)

۲۹. ...همانا فردی از بین شما که اسباب برمی‌گیرد و برای سفر زیارت آماده می‌شود، پس اهل آسمان نیز با او همراه می‌شوند. سپس هنگامی که از درب خانه خارج شد چه سواره باشد و چه پیاده، خداوند چهار هزار فرشته را محافظ او قرار می‌دهد در حالی که بر او درود می‌فرستند تا اینکه به مزار حسین علیه‌السلام برسد... (کامل الزیارات، ص۲۰۵؛ المزار الکبیر، ص۴۳۴)

۳۰. گفتنی است این روایت، یکسان بودن زیارت سواره و پیاده را از جمیع جهات اثبات نمی‌کند؛ بنابراین خدشه‌ای به دلالت دیگر روایات وارد نخواهد کرد.

ممکن است این سؤال به ذهن برسد که آیا این فضیلت، فاصله‌های خیلی دور را هم شامل می‌شود یا صرفاً مربوط به اهالی کربلا و شهرها و روستاهای نزدیک است. در پاسخ باید گفت ظهور اولیه این روایات تمام شیعیان و محبان حضرت را شامل می‌شود؛ زیرا روایات این دسته و دسته‌های دیگر، با عباراتی مانند «مَنْ اَتَی»، «مَنْ زَارَ» و... عام است و محدود کردن آن به اهالی یک شهر خاص، خلاف ظاهر است؛ بر فرض اراده خلاف ظاهر، لاجرم دلالت این روایات، یا محدود به اهالی شهر راوی یا محدود به اهالی شهر محل صدور روایت است. بررسی‌های نگارنده نشان می‌دهد که در هردوی این احتمالات، شهر مبدأ، فاصله زیادی تا کربلا دارد.[۳۱]

گونه سوم: روایات «مقید به: مِنَ الْفُرَات»

ویژگی متمایز کننده روایت «مقید به: مِنَ الْفُرَات» (از رود فرات) نسبت به روایات قبل، این است که این‌گونه از روایات، فضیلت زیارت امام حسین علیه‌السلام با پای پیاده را در حدفاصل بین رود فرات تا مرقد مطهر، بیان کرده است. این‌گونه، دارای هشت روایت است که حجم قابل توجهی را نسبت به دسته‌های قبل به خود اختصاص داده است. این روایات عبارت است از:

۳۱. الف) بررسی اهلیت راویان: راویان این دو روایت که مخاطبان اولیه امام صادق علیه‌السلام هستند، هردو کوفی بوده‌اند. رجال شیخ رجال برقی تصریح دارد که بَشِیر دَهَّان کوفی است (رجال الطوسی، اصحاب ابی‌عبدالله جعفر بن محمد الصادق علیه‌السلام، باب الباء، ص۱۶۹، ش۱۹۶۵؛ الرجال برقی، اصحاب ابی‌عبدالله جَعفَر بن مُحَمَّد علیه‌السلام، اصحاب ابی‌عبدالله علیه‌السلام، ص۴۶)؛ اما ذیل عنوان حُسین بن ثُوَیر در این باره نکته‌ای وارد نشده است. با این حال، قرائنی وجود دارد که کوفی بودن حُسین بن ثُوَیر را نیز ثابت می‌کند؛ اولاً بیشتر شاگردان او اهل کوفه بوده‌اند. از بین آنها می‌توان به حُسین ابن رَاشِد (الفهرست طوسی، باب الحاء، باب الحسن، ص۱۳۷، ش۲۰۰)، خَیبَری بن عَلِی الطَّحَّان (رجال النجاشی، باب الخاء، ص۱۵۴، ش۴۰۸) و مُحَمَّد بن الحُسین بن اَبِی‌الخَطَّاب (الفهرست طوسی، باب المیم، باب مُحمّد، ص۴۰۰، ش۶۰۸) اشاره کرد؛ ثانیاً نجاشی نسبت به کوفی بودن پدر او (ثُویر بن اَبِی‌فَاخِتة) تصریح کرده است؛ (رجال النجاشی، باب الثاء، ص۱۱۸، ش۳۰۳) درنتیجه حُسین بن ثُوَیر نیز کوفی محسوب می‌شود. بر این اساس، این احتمال شکل می‌گیرد که مخاطب عام این روایات اهالی کوفه باشند که حدود ۸۰ کیلومتر تا کربلا فاصله دارد. درنتیجه، دلالت این روایات نمی‌تواند محدود به اهالی کربلا و مسیرهای نزدیک باشد.

ب) بررسی محل صدور روایات: این روایات که هردو از امام صادق علیه‌السلام نقل شده، به احتمال قوی در شهر مدینه یا مکه صادر شده است. زیرا بیشتر روایات حضرت صادق علیه‌السلام یا در حوزه علمیه آن حضرت که در مدینه واقع شده بود بیان شده یا در سفر حج که محل اجتماع مسلمانان بوده است. احتمالاً بَشِیر دَهَّان و حُسین بن ثُوَیر نیز به‌منظور فراگیری علم دین از شهرهای خود به مدینه یا مکه، سفر کرده بودند. احتمال دیگری نیز وجود دارد. شاید امام صادق علیه‌السلام در سفری که برای ملاقات با حاکم وقت به کوفه داشته‌اند، این روایات را بیان فرموده باشند. با توجه به اینکه نظارت شدید مأموران حکومتی باعث می‌شد که نقل و انتقالات حدیثی به سختی صورت گیرد، این احتمال، ضعیف است. به هر حال، هرکدام از این احتمالات را بپذیریم، محل صدور این روایات، چه مدینه و مکه باشد و چه کوفه، دلالتش محدود به مسیرهای کوتاه نیست.

١- روایت بَشِیر دَهّان از امام صادق علیه السلام: «...إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام يوْمَ عَرَفَةَ وَ اغْتَسَلَ مِنَ الْفُرَاتِ ثُمَّ تَوَجَّهَ إِلَيهِ كَتَبَ اللهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَجَّةً بِمَنَاسِكِهَا وَ لَا أَعْلَمُهُ إِلَّا قَالَ وَ غَزْوَةً.»[32]

٢- روایت حُسین بن سَعِید از امام صادق علیه السلام: «... مَنِ اغْتَسَلَ فِی الْفُرَاتِ ثُمَّ مَشَى إِلَى قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام كَانَ لَهُ بِكُلِّ قَدَمٍ يرْفَعُهَا وَ يضَعُهَا حَجَّةٌ مُتَقَبَّلَةٌ بِمَنَاسِكِهَا.»[33]

٣- روایت رُفَاعَه‌ی نَخّاس از امام صادق علیه السلام: «أَخْبَرَنِی أَبِی أَنَّ مَنْ خَرَجَ إِلَى قَبْرِ الْحُسَينِ علیه السلام عَارِفاً بِحَقِّهِ غَيرَ مُسْتَكْبِرٍ وَ بَلَغَ الْفُرَاتَ وَ وَقَعَ فِی الْمَاءِ وَ خَرَجَ مِنَ الْمَاءِ كَانَ مِثْلَ الَّذِی يخْرُجُ مِنَ الذُّنُوبِ وَ إِذَا مَشَى إِلَى الْحُسَينِ علیه السلام فَرَفَعَ قَدَماً وَ وَضَعَ أُخْرَى كَتَبَ اللهُ لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَ مَحَا عَنْهُ عَشْرَ سَيئَاتٍ.»[34]

٤- روایت صَفوان از امام صادق علیه السلام در بیان اعمال زیارت امام حسین علیه السلام: «...فَإِذَا أَتَيتَ الْفُرَاتَ يعْنِی شَرِيعَةَ الصَّادِقِ علیه السلام بِالْعَلْقَمِی فَقُلْ ... ثُمَّ اغْتَسِلْ مِنَ الْفُرَاتِ... فَإِذَا فَرَغْتَ مِنْ غُسْلِكَ فَالْبَسْ ثَوْبَينِ طَاهِرَينِ وَ صَلِّ رَكْعَتَينِ خَارِجَ الشَّرْعَةِ... فَإِذَا فَرَغْتَ مِنْ صَلَاتِكَ فَتَوَجَّهْ نَحْوَ الْحَائِرِ وَ عَلَيكَ السَّكِينَةُ وَ الْوَقَارُ وَ قَصِّرْ خطاكَ فَإِنَّ اللهَ تَعَالَى يكْتُبُ لَكَ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حِجَّةً وَ عُمْرَةً...»[35]

---

٣٢. ...همانا مؤمن، زمانی که در روز عرفه به مزار حسین علیه السلام آمد و در رود فرات غسل کرد و سپس رو به‌سوی مرقد کرد، خداوند برای او به ازای هر گام، ثواب یک‌حج با تمام مناسکش را ثبت می‌کند و[بشیر می‌گوید] نمی‌دانم شاید حضرت عبارت «وَ غَزوَة» (ثواب جنگی در رکاب پیامبر) را نیز به آن افزودند. (کافی، ج۴، ص۵۸۰؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج۲، ص۵۸۰؛ تهذیب الاحکام، ج۶، ص۴۵؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص۸۹؛ کامل الزیارات، ص۱۶۹؛ الامالی (صدوق)، ص۱۴۳؛ الامالی (طوسی)، ص۲۰۱؛ المزار الکبیر، ص۳۲۸؛ اقبال الاعمال، ج۱، ص۳۳۲؛ مصباح المتهجد، ج۲، ص۷۱۵)

همین روایت با تفاوتِ قابل توجهی در نقل، در این کتب، درج شده است: تهذیب الاحکام، ج۶، ص۵۰؛ کامل الزیارات، ص۱۷۱؛ کتاب المزار (مفید)، ص۴۸؛ جامع الاخبار، ج۱، ص۲۵.

٣٣. ...هرکس در فرات غسل کند، سپس به‌سوی قبر حسین علیه السلام پیاده‌روی کند، برای اوست به‌ازای هر گامی که برمی‌دارد و می‌گذارد، یک حج مقبول با تمام مناسک آن. (تهذیب الاحکام، ج۶، ص۵۳)

٣٤. پدرم بر من روایت کرد که هرکس به‌سوی قبر حسین علیه السلام برود، در حالی که حق او را می‌شناسد و استکبار نمی‌ورزد، و به رود فرات برسد و خود را در آب بیندازد و از آب خارج شود، مانند کسی است که از گناهان خارج شده است؛ و هنگامی که به‌سوی حسین علیه السلام پیاده‌روی کند و گام بردارد و گام بگذارد، خداوند برای او ده عمل نیک ثبت می‌کند و ده عمل ناپسند از او پاک می‌گرداند. (تهذیب الاحکام، ج۶، ص۵۲؛ کامل الزیارات، ص۱۸۷)

٣٥. ...پس هنگامی که به فرات رسیدی (یعنی شریعه‌ای که امام صادق علیه السلام آن را علقمی نام نهادند) پس بگو... سپس در رود فرات غسل کن... پس زمانی که از غسلت فارغ شدی پس دو لباس پاکیزه بپوش و در کنار شریعه، دو رکعت نماز به جا آور... پس

۵- روایت اَبی‌حَمزة ثُمَالِی از امام صادق علیه السلام در بیان اعمال زیارت امام حسین علیه السلام: «...فَإِذَا أَتَیتَ الْفُرَاتَ فَقُلْ قَبْلَ أَنْ تَعْبُرَهُ... ثُمَّ اعْبُرِ الْفُرَاتَ وَ قُلِ... ثُمَّ تَأْتِی النَّینَوَی فَتَضَعُ رَحْلَكَ بِهَا وَ لَا تَدَّهِنْ وَ لَا تَكْتَحِلْ وَ لَا تَأْكُلِ اللَّحْمَ مَا دُمْتَ مُقِیماً بِهَا ثُمَّ تَأْتِی الشَّطَّ بِحِذَاءِ نَخْلِ الْقَبْرِ وَ اغْتَسِلْ وَ عَلَیكَ الْوَقَارُ وَ قُلْ وَ أَنْتَ تَغْتَسِلُ ... فَإِذَا أَرَدْتَ الْمَشْی فَقُلْ ... ثُمَّ امْشِ حَافِیاً وَ عَلَیكَ السَّكِینَةُ وَ الْوَقَارُ...»[۳۶]

۶- روایت مرسل ابن مشهدی در بیان اعمال زیارت امام حسین علیه السلام: «فَإِذَا وَرَدْتَ إِنْ شَاءَ اللهُ أَرْضَ كَرْبَلَاءَ فَانْزِلْ مِنْهَا بِشَاطِئِ الْعَلْقَمِی، ثُمَّ اخْلَعْ ثِیابَ سَفَرِكَ، وَ اغْتَسِلْ مِنْهُ... فَإِذَافَرَغْتَ مِنَ الْغُسْلِ فَالْبَسْ مَا طَهُرَ مِنْ ثِیابِكَ، ثُمَّ تَوَجَّهْ إِلَی الْمَشْهَدِ عَلَی سَاكِنِهِ السَّلَامُ، وَ عَلَیكَ السَّكِینَةُ وَ الْوَقَارُ، وَ أَنْتَ مُتَحَفٍ خَاضِعٌ ذَلِیلٌ...»[۳۷]

۷- روایت اَبی صَامِت از امام صادق علیه السلام: «...مَنْ أَتَی قَبْرَ الْحُسَینِ علیه السلام مَاشِیاً كَتَبَ اللهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَ مَحَا عَنْهُ أَلْفَ سَیئَةٍ وَ رَفَعَ لَهُ أَلْفَ دَرَجَةٍ فَإِذَا أَتَیتَ الْفُرَاتَ فَاغْتَسِلْ وَ عَلِّقْ نَعْلَیكَ وَ امْشِ حَافِیاً وَ امْشِ مَشْی الْعَبْدِ الذَّلِیلِ فَإِذَا أَتَیتَ بَابَ الْحَائِرِ فَكَبِّرْ أَرْبَعاً ثُمَّ امْشِ قَلِیلًا ثُمَّ كَبِّرْ أَرْبَعاً ثُمَّ ائْتِ رَأْسَهُ فَقِفْ عَلَیهِ فَكَبِّرْ أَرْبَعاً وَ صَلِّ عِنْدَهُ وَ سَلِ اللهَ حَاجَتَكَ»[۳۸]

زمانی که نمازت را اقامه کردی به‌سوی حائر رو کن در حالی که آرامش و وقار داری و قدم‌هایت را کوتاه بردار که همانا خداوند تعالی برای تو به ازای هر گام، یک حج و یک عمره لحاظ می‌کند... (مصباح المتهجد، ج۲، ص۷۱۷؛ زاد المعاد، ص۵۰۷)

۳۶. ...پس هنگامی که به فرات رسیدی قبل از اینکه از آن عبور کنی بگو... سپس از فرات عبور کن و بگو... سپس به سرزمین نینوا بیا و اسباب سفر را در آنجا قرار ده و روغن مالی و سرمه‌کشی و خوردن گوشت را تا زمانی که آنجا هستی ترک کن. سپس به رودی که مقابل محل قبر است برو و با حالت وقار، غسل کن و در حال غسل بگو... پس زمانی که تصمیم به پیاده‌روی گرفتی بگو... سپس با پاهای برهنه و با حالت آرامش و وقار، پیاده‌روی را آغاز کن... (کامل الزیارات، ص۲۲۲)

۳۷. پس زمانی که به خواست خدا به سرزمین کربلا رسیدی، کنار رود علقمی منزل گزین. سپس لباس سفرت را در بیاور و از آن رود غسل کن... هنگامی که از غسل فارغ شدی، پس لباسی از لباس‌های پاکت بپوش، سپس به‌سوی قتلگاه (سلام بر ساکنانش) رو کن در حالی که آرامش و وقار داری و پابرهنه و متواضع و فروتن هستی... .(المزار الکبیر، ص۳۷۰)

۳۸. ...هرکس پیاده به مزار حسین علیه السلام بیاید خداوند برای او به‌ازای هر گام، هزار عمل نیک ثبت می‌کند و هزار عمل ناپسند از او محو می‌نماید و هزار درجه به مقامات معنوی او می‌افزاید. پس هنگامی که به رود فرات رسیدی، پس غسل کن و کفش‌هایت را در بیاور و با پاهای برهنه و همچون عبد ذلیل پیاده‌روی کن. هنگامی که به باب حائر رسیدی، چهار بار تکبیر بگو و سپس کمی قدم بردار. سپس چهار بار تکبیر بگو و به بالای سر بیا و آنجا بایست و چهار بار تکبیر بگو و نماز بخوان و حاجتت را از خداوند درخواست کن. (کامل الزیارات، ص۱۳۲ و ۲۲۱)

۸- روایت حُسین بن ثُوَیر از امام صادق‌؈: «...إِذَا أَتَیتَ أَبَاعَبْدِاللّهَ؈ فَاغْتَسِلْ عَلَى شَاطِئِ الْفُرَاتِ ثُمَّ الْبَسْ ثِيَابَكَ الطَّاهِرَةَ ثُمَّ امْشِ حَافِيا...»[۳۹]

در این‌گونه از روایات، اشاره به آغاز مسیر پیاده‌روی از رود فرات، محور استدلال است. اولین سؤالی که به ذهن می‌رسد در مورد مصداقِ «الْفُرَات» می‌باشد. آیا رودخانه اصلی که حدود ۲۰ کیلومتر تا کربلا فاصله دارد مد نظر بوده یا منظور همان نهر علقمه است؟

در میان الفاظ این روایات، ادله و قرائنی وجود دارد که نشان می‌دهد منظور از شط فرات، همان نهر علقمه است. روایات ابن مشهدی و صَفوَان با کلیدواژه «الْعَلْقَمِی» به این نکته تصریح کرده‌اند. همچنین در روایت اَبی‌حَمزِه ثُمَالِی نیز به این موضوع تصریح شده است. در این روایت، زائر ابتدا از رود اصلی فرات عبور می‌کند و سپس به نهری که در مقابل قبر حضرت است می‌رسد (ثُمَّ تَأْتِی الشَّطَّ بِحِذَاءِ نَخْلِ الْقَبْرِ)؛ غسل می‌کند و پیاده‌روی را از آنجا آغاز می‌کند. روایت اِبن ثُوَیر نیز در عبارت «إِذَا أَتَیتَ أَبَاعَبْدِاللّهَ؈ فَاغْتَسِلْ عَلَى شَاطِئِ الْفُرَاتِ» با اشاره به مجاورت رود فرات و مزار اباعبدالله؈، بر این نکته دلالت می‌کند که منظور از فرات، همان نهر علقمه است.

در این روایات، شیوه خاصی از پیاده‌روی مطرح شده است که نیازمند توجه می‌باشد. در بخشی از این روایات (روایات چهارم تا هشتم)، قید شده است که پیاده‌روی باید به‌صورت پابرهنه، با گام‌های کوتاه، همراه با تواضع و خضوع و سکینه و آرامش باشد. اما روایات اول تا سوم پیاده‌روی را بدون این قیود برای محدوده فرات تا مزار، دارای فضیلت می‌داند. به نظر می‌رسد که وجه جمع بخش اول و دوم از روایات «مقید به: مِنَ الْفُرَات»، این است که در آن محدوده، پیاده‌روی با پاهای برهنه و آن شرایط خاص، فضیلت بیشتری نسبت به مطلق پیاده‌روی دارد.

وجه جمع میان روایات

همان طور که گذشت در رابطه با زیارت امام حسین؈ با پای پیاده، سه گونه روایت وجود دارد. ظهور اولیه گونه روایات «مطلق» بر فضیلت پیاده‌روی در تمام طول مسیر دلالت دارد. گونه روایات

۳۹. ...زمانی که نزد اباعبدالله؈ آمدی، در رود فرات غسل کن. سپس لباس‌های پاکیزه‌ات را بپوش. سپس با پاهای برهنه پیاده‌روی کن... (کافی، ج۴، ص۵۷۵؛ تهذیب الاحکام، ج۶، ص۵۴؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج۲، ص۵۹۴؛ کامل الزیارات، ص۱۹۷)

«مقید به: مِنْ أَهْلِهِ/ مِنْ مَنْزِلِهِ» بر فضیلت پیاده روی در تمام طول مسیر، تصریح می‌کند. و گونه روایات «مقید به: مِنَ الْفُرَات»، در محدوده فرات تا مرقد، به این فضیلت اشاره کرده است. در نگاه اولیه، میان دو گونه روایاتی که مطلق نیستند و هرکدام، محدوده متفاوتی برای پیاده‌روی مشخص کرده‌اند، تعارض وجود دارد. تعیین محدوده فضیلت پیاده‌روی نیازمند حل این تعارض است. همچنین حل این تعارض در برداشت نهایی ما از روایات مطلق نیز، تأثیرگذار خواهد بود. باید بررسی شود که کدام گونه از روایات صریح، روایات مطلق را تفسیر می‌کند.

بررسی‌ها حاکی از آن است که فضیلت زیارت امام حسین‌ع با پای پیاده در تمام طول مسیر، ثابت است و روایات «مقید به: مِنَ الْفُرَات» خدشه‌ای بر آن وارد نمی‌کنند. ادله و قرائنی که بر این نکته دلالت می‌کنند بدین شرح است:

۱- این نکته به نظر می‌رسد که اگر پیاده‌روی در تمام طول مسیر مطلوبیت داشت، مقید کردن آن توسط روایات «مِنَ الْفُرَات» به یک مسیر خاص، بی‌معنا بود؛ لذا روایات «مقید به: مِنَ الْفُرَات»، ظهور در نبود فضیلت پیاده‌روی تا قبل از رود فرات دارد و این ظهور، بر ظهور روایات مطلق، مقدم است. در پاسخ باید گفت اولاً قید «مِنَ الفُرَات»، الزاماً به این معنی نیست که پیاده‌روی تا قبل از رود فرات، فضیلت ندارد؛ بلکه ممکن است دلیل این تقیید، فضیلت ویژه پیاده‌روی در آن محدوده، نسبت به قبل آن باشد. کما اینکه دستورات ویژه‌ای همچون، پابرهنه بودن، کوتاه برداشتن قدم‌ها و... که در رابطه با محدوده فرات تا مرقد وارد شده است، نشان از اهمیت خاص این محدوده و فضیلت ویژه پیاده‌روی در آن دارد. ثانیاً اگر دلالت این روایات مبنی بر انکار فضیلت پیاده‌روی تا قبل از رود فرات را بپذیریم، این دلالت از جنس ظهور است و با نص روایات «مقید به: مِنْ أَهْلِهِ/ مِنْ مَنْزِلِهِ» قابل معارضه نیست.

۲- همان طور که گذشت، روایات حَرث بن مُغِیرة، اَبی‌سَعِید قَاضِی و روایات «مُغَبَّر» با قرائنی همراه هستند که ظهور آنها بر فضیلت پیاده‌روی در مسیرهای طولانی‌تر را تقویت می‌کند؛ لذا ظهور روایات «مقید به: مِنَ الْفُرَات» قادر به تخصیص آنها نخواهد بود.

۳- با فرض تخصیص روایات مطلق توسط روایات «مقید به: مِنَ الْفُرَات»، با این بیان که روایات «مقید به: مِنَ الْفُرَات» قرینه‌ای است که روایات مطلق را تفسیر می‌کند، این قرینه، یک قرینه منفصله است. تخطی کردن از قرینه منفصله برای ما پذیرفتنی نیست؛ زیرا به لطف کتاب‌ها و جوامع روایی، این قرائن در کنار ذوالقرینه خود قرار گرفته و دلالت خود مبنی بر تخصیص ذوالقرینه را به‌روشنی بیان می‌کند؛ اما برای مخاطبامان زمان حضور، وضع این‌گونه نیست. اگر ذوالقرینه به یک راوی بیان شود و قرینه به راوی دیگر، تضمینی وجود ندارد که راوی اول به آن قرینه منفصله دست پیدا کند. درنتیجه دچار اشتباه شده و بدون در نظر گرفتن قرینه، به روایت ذوالقرینه عمل می‌کند. به‌عنوان مثال، وقتی امام علیه‌السلام خطاب به عَلِی بنِ میمُون، ثوابی را برای پیاده آمدن به زیارت امام حسین علیه‌السلام مترتب می‌داند و در رابطه با محدوده آن سخنی نمی‌گوید، بدون شک، عَلِی بنِ میمُون دچار اشتباه شده و این فضیلت را در تمام مسیر ثابت می‌شمرد. با این توضیح، روایات «مقید به: مِنَ الْفُرَات»، نمی‌تواند به‌عنوان قرینه منفصله پذیرفته شوند.

٤- روایت ابی‌صامِت از گونه روایات «مقید به: مِنَ الْفُرَات» در مقام بیان جزئیات دستور زیارت، به‌صورت مرحله به مرحله است. این مرحله‌ها با حرف «فاء» و «ثُمّ» بر هم عطف شده و تمام موارد حرف «فاء» در این روایت به‌معنای ترتیب است. اگر این معنا در مورد اولین «فاء» نیز صادق باشد، در این صورت روایت مذکور در ابتدا به فضیلت زیارت پیاده تا ابتدای رود فرات اشاره داشته و سپس به بیان دستور خاص پیاده‌روی با پاهای برهنه بعد از رود فرات مبادرت می‌ورزد. با این بیان، می‌توان قسمت اول از روایت ابی‌صامِت را در دسته روایات «مَاشِیاً» از گونه روایات مطلق نیز، قرار داد.

بررسی احتمال طریقیت پیاده‌روی

این احتمال وجود دارد که روایاتی که دلالت آن‌ها بر پیاده‌روی در تمام طول مسیر سفر پذیرفته شد مانند روایات «ماشیاً» و «مقید به: مِنْ أَهْلِهِ/ مِنْ مَنْزِلِهِ»، خطاب به کسانی است که توان سفر با مرکب را نداشته و به ناچار مجبور به زیارت پیاده شده‌اند. به بیانی دیگر، قید «عند الضروره» در مقام تخاطب این روایات وجود دارد و مانع اطلاق آنان می‌گردد. درنتیجه، سفر پیاده و سواره، تنها طریقیت

داشته و چیزی که موضوعیت دارد، اصل زیارت است. در پاسخ به این اشکال به دو نکته اشاره می‌کنیم:

۱- همان طور که گذشت، ظهور اولیه روایات، اطلاق و عمومیت آن‌هاست. وجود قیدی مانند «عند الضروره» در مقام تخاطب، هرچند محتمل است اما نیاز به اثبات دارد.

۲- برخی راویان این روایات که مخاطب اولیه معصومین﷽ بوده‌اند دچار ناتوانی مالی نبوده و شامل قید «عند الضروره» نمی‌شدند. لذا توصیه آنها به پیاده رفتن، توجیه منطقی نخواهد داشت.

الف) بَشِیر دَهَّان کوفی که از راویان روایات «مقید به: مِنْ أَهْلِهِ/ مِنْ مَنْزِلِهِ» می‌باشد، در روایتی اذعان می‌کند که همه ساله به حج مشرف می‌شده است؛ اما یک سال، به دلیل طلبی که از مردم داشته و نگران آن بوده، نتوانسته به زیارت حج برود. کثرت سفر او به حج و طلب کاریش از مردم، نشان از بالا بودن توان مالی او دارد.

ب) عَلِی بنِ میمُون، راوی یکی از روایات دسته «مَاشِیاً» به شغل زرگری مشغول بوده و به نظر می‌رسد که در کار خود مشتری بسیاری داشته است[۴۰] و شاگردانی نیز زیر دست او کار می‌کرده‌اند.[۴۱] در روایت است که وقتی امام به او توصیه می‌کند که ماهانه به زیارت امام حسین﷽ برود او دلیل ناتوانیش در توفیق زیارت ماهانه را مشغله کاری عنوان کرده و حرفی از دشواری هزینه‌های سفر نمی‌زند. سپس از امام سؤال می‌کند که آیا می‌توان کسی را از طرف خودمان به آنجا بفرستیم؟[۴۲] این سوال نیز نشان می‌دهد که او امکان پرداخت اجرت به زائر نیابی را داشته است.

ج) حَارِثِ بنِ مُغَیرَه، راوی یکی از روایات «خطا» می‌باشد که با قرائنی بر فضیلت پیاده‌روی در تمام طول مسیر، دلالت می‌کند. وی به امام صادق﷽ عرضه می‌دارد که ما اموالی، همچون غلات و کالاهای تجاری داریم که شما بر آن حق دارید. حضرت میفرماید:

---

۴۰. لِأَنِّی أَعْمَلُ بِیدِی وَ أُمُورُ النَّاسِ بِیدِی وَ لَا أَقْدِرُ أَنْ أُغَیبَ وَجْهِی عَنْ مَكَانِی یوْماً وَاحِدا. (كامل الزيارات، ص۲۹۵)
۴۱. أَتَقَبَّلُ الْعَمَلَ فَأُقَبِّلُهُ مِنَ الْغِلْمَانِ یعْمَلُونَ مَعِی. (کتاب من لایحضره الفقیه، ج۳، ص۲۵۱)
۴۲. كامل الزيارات، ص۲۹۵.

ما حقوق خود را بر شما شیعیان و تمام کسانی که ما را دوست دارند، حلال کردیم.[۴۳] تعلق گرفتن زکات یا خمس بر اموال فرد، نشان از توان اقتصادی قابل قبول وی دارد.

نتیجه پایانی

بر اساس آنچه در فرایند گونه‌شناسی و دلالت‌سنجی روایات گذشت، ظهور روایات «مطلق» و نص روایات «مقید به: مِنْ أَهْلِهِ/ مِنْ مَنْزِلِهِ»، بر فضیلت زیارت امام حسین﵇ با پای پیاده در تمام طول مسیر سفر دلالت دارند. با توجه به ادله و قرائنی که بیان شد، روایات «مقید به: مِنَ الْفُرَات» در مقام تخصیص روایات «مطلق» نیست، بلکه نوعی تفاوت در پیاده‌روی، قبل و بعد از رود فرات را متذکر می‌شود. درواقع، آنچه زیارت پیاده را قبل و بعد از رود فرات از یکدیگر متمایز می‌سازد، اهمیت و نوع دستور پیاده‌روی است. با این نگاه، شیوه‌نامه زیارت پیاده مرقد امام حسین﵇ به این صورت است که اولاً زائر مسیر سفر تا کربلا یا بخشی از آن را پیاده طی کند؛ ثانیاً وقتی به نهر علقمه رسید، غسل کند و با پاهای برهنه به مسیرش ادامه دهد؛ گام‌هایش را کوتاه‌تر بردارد و با حالت تواضع و سکینه و آرامش همراه شود.

در ادامه، احتمال طریقیت داشتن پیاده‌روی مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به اینکه این احتمال، خلاف ظاهر روایات بوده و قرائنی برخلاف آن نیز موجود است، پذیرش آن، به دلیل نیاز دارد و تا زمانی که دلیلی ارائه نشود، موظف به عمل به ظاهر روایات هستیم.

فهرست منابع

۱. اقبال الاعمال، علی بن موسی ابن طاووس، تهران، دار الکتب الاسلامیة، دوم، ۱۴۰۹ق.
۲. الامالی، شیخ صدوق، تهران، کتابچی، ششم، ۱۳۷۶ش.
۳. الامالی، شیخ طوسی، تحقیق مؤسسة البعثة، قم، دار الثقافة، اول، ۱۴۱۴ق.
٤. بحارالأنوار، محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، دوم، ١٤٠٣ق.
٥. البرهان فی تفسر القرآن، سید هاشم بن سلیمان بحرانی، تحقیق مؤسسة البعثة، قم، دار الثقافة، اول، ١٣٧٤ش.
٦. تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، تحقیق سید حسن موسوی خرسان، تهران، دار الکتب الاسلامیة، چهارم، ١٤٠٧ق.
٧. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شیخ صدوق، قم، دار الشریف الرضی، دوم، ١٤٠٦ق.

٤٣. تهذیب الاحکام، ج٤، ص١٤٣.

۸. جامع الاخبار، محمد بن محمد شعیری، نجف، مطبعة الحیدریة، اول.
۹. الرجال، احمد بن محمد بن خالد برقی، تحقیق سیدکاظم موسوی میاموی، تهران، دانشگاه تهران، اول، ۱۳٤۲ش.
۱۰. رجال الطوسی، شیخ طوسی، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، سوم، ۱۳۷۳ش.
۱۱. رجال النجاشی، احمد بن علی نجاشی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ششم، ۱۳٦۵ش.
۱۲. زاد المعاد، محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، تحقیق علاءالدین اعلمی، بیروت، مؤسسة الاعلمی، اول، ۱٤۲۳ق.
۱۳. عوالی اللئالی العزیزیة فی الاحادیث الدینیة، ابن ابی‌جمهور احسائی، تحقیق: مجتبی عراقی، قم، دار سیدالشهداء، اول، ۱٤۰۵ق.
۱٤. الفهرست، شیخ طوسی، تحقیق سیدعبدالعزیز طباطبایی، قم، مکتبة المحقق الطباطبایی، اول، ۱٤۲۰ق.
۱۵. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیة، چهارم، ۱٤۰۷ق.
۱٦. کامل الزیارات، جعفر بن محمد ابن قولویه، تحقیق عبدالحسین امینی، نجف، دار المرتضویة، اول، ۱۳۵٦ش.
۱۷. کتاب المزار، شیخ مفید، تحقیق محمدباقر ابطحی، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید (ره)، اول، ۱٤۱۳ق.
۱۸. المزار الکبیر، محمد بن جعفر ابن مشهدی، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، اول، ۱٤۱۹ق.
۱۹. مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، شیخ طوسی، بیروت، مؤسسة فقه الشیعة، اول، ۱٤۱۱ق.
۲۰. معجم مقاییس اللغة، احمد ابن فارس، تحقیق محمد عبدالسلام هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، اول، ۱٤۰٤ق.
۲۱. ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الاخبار، محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، تحقیق سید مهدی رجایی، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، اول، ۱٤۰٦ق.
۲۲. کتاب من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، دوم، ۱٤۱۳ق.
۲۳. مناقب آل ابی‌طالب علیهم السلام، ابن شهر آشوب مازندرانی، قم، علامه، اول، ۱۳۷۹ق.
۲٤. نهج الحق و کشف الصدق، حسن بن یوسف بن مطهر حلی، بیروت، دار الکتاب اللبنانی، اول، ۱۹۸۲م.